

## بازخوانی راهبردهای دانشگاه اسلامی از منظر جنبش نرم‌افزاری

دکتر محمدرضا مجیدی\*

چکیده:

جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از زمره‌ی مباحث اصولی و درخور توجهی است که دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران، بر جنبه‌های عملی و کاربردی آن در نظام دانشگاهی تأکید می‌ورزند. هنگامی که بحث از جنبش نرم‌افزاری به میان می‌آید بناچار با مباحث دانشگاه اسلامی و رسالت‌ها و اصول و راهبردها نیز مواجهیم. در این نوشتار سعی شده است تا به اختصار به بازخوانی اصول عمومی مورد قبول برای دانشگاه به مفهوم عام آن و اصول ویژه‌ی دانشگاه اسلامی و مواردی که یک دانشگاه اسلامی باید به آن پایبند باشد، پرداخته شود. چارچوب این نوشتار را مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی:

اصول حاکم بر دانشگاه‌ها؛ دانشگاه اسلامی و ویژگی‌های آن؛ اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی؛ لوازم نهضت تولید علم؛ دانشجو؛ استاد؛ مدیریت؛ جنبش نرم‌افزاری و....

\*. عضو هیات علمی دانشگاه تهران.

## طرح مسأله:

در آستانه‌ی ورود به بیست و پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، تحقق آرمانهای بلند این انقلاب در عرصه‌های گوناگون نیازمند نهضتی فراگیر در حوزه‌ی تولید دانش و نظریه است و اینک که چشم‌انداز بیست ساله‌ی ایران اسلامی ترسیم شده است تا شاهراه سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی همه‌جانبه کشور، در قالب چهار برنامه‌ی توسعه باشد، بازخوانی آرمان دانشگاه اسلامی به عنوان یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی و هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های انجام شده در این سمت و سواز منظر نهضت تولید علم ضروری به نظر می‌رسد.

دانشگاه تولیدگر و اندیشه‌ورز و نظریه‌پرداز و بومی‌نگر و مستقل، در رأس اهداف اسلامی کردن (شدن) دانشگاه است؛ و فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی به عنوان هدف‌اعلای انقلاب اسلامی در گرو تحقق چنین هدفی است.

قبل از ورود در بحث، لازم است تعریفی اولیه از جنبش نرم‌افزاری و نسبت آن با راهبردهای دانشگاه اسلامی ارائه گردد. برای جنبش نرم‌افزاری تعاریف گوناگون ارائه و از منظرهای متفاوت به موضوع نگریسته شده است. یک تعریف کلی و بسیار ساده برای این اصطلاح - که در قالب بیان معادل برای آن بکار می‌رود - «نهضت تولید علم» است و مراد از آن، تبدیل مقوله‌ی تولید دانش و تولیدگری در ساحت علم و نظریه‌پردازی، به یک مطالبه‌ی عمومی در سطح کلان جامعه و در سطح جامعه‌ی علمی توأم با تمایز این جریان مولد از جریانهای ترجمه‌گرا و تقلیدگراست. التزام به این مهم مستلزم التزام به لوازم آن است و از آن جمله ساختارها و قواعد و مقررات سامان‌بخش و سازمان‌دهنده‌ی این حرکت فراگیر است و البته این به معنای ساختارگرایی در این حوزه - که آفت بسیاری از طرح‌ها و اقدامات مهم در جامعه‌ی ما می‌باشد - نیست، بلکه توجه عمیق به

موضوع از این منظر و بررسی ساختارها و قواعد و مقررات و راهبردها و سیاست‌های تعریف شده و میزان هم‌خوانی آنها با این حرکت عظیم و میزان نیاز به اصلاح ساختاری و قانونی است و مهمتر از آن لازم است راهکارهای عملیاتی کردن و اجرایی کردن قواعد و مقررات تعریف شود که مشکل اصلی آنها عدم اجرا است.

دبیرخانه‌ی شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، مستقر در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در مردادماه ۱۳۸۰ مجموعه‌ای را با عنوان «دانشگاه اسلامی؛ رسالت‌ها، اصول و راهبردها» منتشر کرد که در بردارنده‌ی سوابق این شورا و مباحث مطرح در آن شورا است که البته در این نوشتار آنچه به تأیید و تصویب شورای عالی انقلاب رسیده، مورد توجه و استناد بوده است. در این مختصر تلاش می‌شود مقوله‌ی «جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم» در آینده‌ی این قواعد و مقررات مورد بررسی قرار گیرند تا ملاحظه شود این مصوبات در ابعاد گوناگون پاسخگوی نیاز لوازم این حرکت و اقدام ملی و تاریخی است.

#### دانشگاه اسلامی و اصول حاکم بر آن:

در باب اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی ضمن تبیین جایگاه دانشگاه در هر جامعه‌ای، به جایگاه و منزلت دانشگاه در جامعه‌ی اسلامی ایران اشاره شده است. بطورکلی «دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هر جامعه، معرف و مبین بالاترین سطح تفکر و علم آن جامعه محسوب می‌شوند و اصول جهان‌بینی و نظام اعتقادی و ارزشی جامعه را در خود متجلی می‌سازند و با تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، در جهت بخشیدن به حرکت‌های گوناگون فکری،

اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مؤثر واقع می‌شوند.»<sup>(۱)</sup>

بر این اساس دانشگاه‌ها در سطح جهان به اعتبار دانشگاه بودن اشتراکاتی دارند و به اعتبار تعلق به جوامع گوناگون با بینش‌ها و ارزش‌های مختلف دارای اختصاصاتی هستند که موجب تمایز و تفاوت از یکدیگر می‌شوند. در جامعه‌ی ایرانی که با انقلاب اسلامی‌اش نقطه‌ی عطفی در تاریخ خود رقم زد و «با رویکردی الهی و معنوی، جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلامی را مبنای شئون گوناگون زندگی خود» قرار داد، دانشگاه اسلامی مطلوب است؛ یعنی دانشگاهی متناسب با مبانی و ارزش‌های اسلامی که هم بتواند از «مبانی و معیارهای خود، آگاهی و شناخت دقیق‌تر و ژرف‌تر حاصل کند و هم با تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مبانی و معیارها، به ترویج و تعمیم آن‌ها در کل جامعه مبادرت نماید.» با این رویکرد همانگونه که در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز قید گردیده است دو دسته اصول حاکم بر دانشگاه‌ها قابل توجه است؛ یک دسته اصولی است که باید بر دانشگاه (به عنوان دانشگاه) حاکم باشد و دسته‌ی دیگر اصولی است که به اعتبار اسلامی بودن دانشگاه مطرح می‌شود.

#### الف) اصول عمومی دانشگاه‌ها:

۱. «اهتمام به علم و دانش و اعتقاد به تأثیر بنیادی و قطعی آن در اداره‌ی صحیح جامعه و تأمین رفاه و سعادت مردم و رشد و توسعه‌ی متوازن.
۲. اهمیت داشتن فکر و اندیشه و وجود آزادی برای تحقیق و نقد و بررسی آراء و نظریات گوناگون.
۳. داشتن پیوند با واقعیت‌های جامعه و توجه به جنبه‌های عملی و کاربردی اندیشه‌های نظری.

۱. مصوبه‌ی جلسه‌ی ۴۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۷/۹/۱۳۷۷.

۴. داشتن آگاهی از مسائل و مباحث فکری و اجتماعی در عرصه‌ی سیاسی جامعه و مشارکت در صحنه‌ی زندگی اجتماعی و ایفای نقش در آن.
۵. شناخت سنت‌ها و مفاهیم اخلاقی، ارزشی و فرهنگی جامعه.»
- (ب) اصول اختصاصی دانشگاه اسلامی:

۱. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه‌ی دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم آموزی به منزله‌ی یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند.

۲. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد.

۳. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند.»

برای تحقق دانشگاه اسلامی، آن گونه که در متن اصول حاکم بر آن آمده است، مجموعه‌ای از سیاست‌های راهبردی تدوین گردید که کارایی و اثربخشی آن‌ها علاوه بر آن که نیازمند طرّاحی، تدوین و برنامه‌ریزی اجرایی دقیق و واقع بینانه است، مستلزم توجه به عوامل محیطی است که مستقیم و غیر مستقیم و به اشکال گوناگون می‌توانند بر تمامی یا بخشی از عملکرد یا اثربخشی راهبردها و برنامه‌های در حال اجرا در فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها اثر گذاشته و آن‌ها را از مسیر و مقصود اصلی منحرف ساخته یا کارایی و اثربخشی‌شان را افزایش دهند، از جمله: رسانه‌ها، حوزه‌های علمیه، فضای عمومی جامعه در تمامی ابعاد آن، مسائل اقتصادی، روابط و مناسبات بین‌المللی و تأثیر و تأثر متقابل با مسائل داخلی، هماهنگی راهبردی سطوح مدیریت کلان نظام در مورد آموزش عالی و

اسلامی شدن و آموزش و پرورش (از آن حیث که تربیت کننده‌ی ورودی‌های دانشگاه‌ها است) و... که اقتضائات محیطی خود را بر فضای دانشگاه وارد می‌آورند.<sup>(۱)</sup>

سیاست‌های راهبردی، ذیل‌شش مؤلفه‌ی؛ استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی، نظام برنامه‌ریزی آموزش و پژوهش و مدیریت تصویب گردید. برای هر یک از راهبردهای ذیل هر مؤلفه، مجموعه‌ای از سیاست‌های اجرایی نیز تهیه و تدوین و تصویب شده است که با عنایت به موضوع مورد بحث در این گفتار مروری به برخی عناوین خواهیم داشت.

قبل از پرداختن به این عناوین، لازم است یادآوری شود که نهاد تصویب کننده‌ی اصول و سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزش عالی، به منظور بررسی و اندازه‌گیری آثار و نتایج رعایت اصول حاکم بر دانشگاه‌ها و سیاست‌های راهبردی مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها و نیز رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در سیاست‌های مربوط به این مؤلفه‌ها؛ شاخص‌هایی را تعریف کرده است. مهم‌ترین شاخص‌های مربوط به اصول و سیاست‌های عمومی دانشگاه‌ها عبارتند از:

۱. افزایش سهم کشور در ابداعات و اختراعات و اکتشافات علمی.
۲. کاهش وابستگی کشور به بیگانگان به ویژه در زمینه‌ی علوم و صنایع و فن‌آوری.
۳. ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه و افزایش التزام عملی به مقررات و قوانین.

۱. پیشین، مقدمه.

۴. گسترش زمینه‌های بحث و گفتگوی سازنده و آمادگی برای پذیرش آرای صحیح دیگران.

۵. افزایش دانش آموختگان متعهد، متقی، فاضل، شجاع و حساس به سرنوشت کشور.

مهم‌ترین شاخص‌های مربوط به اصول و ارزش‌های اسلامی عبارتند از:

۱. افزایش باور عمومی نسبت به عقاید اسلامی و اعتلای روح معنویت و مکارم و فضائل اخلاقی.

۲. افزایش میزان تعهد عملی نسبت به احکام و ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب.

۳. فراهم شدن زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر در انجام برنامه‌های دینی و اخلاقی.

۴. بالا رفتن توان فکری و روحی برای دفاع مؤثر و معقول از دستاوردهای انقلاب و مبارزه با تهاجم فرهنگی.

آن چه که در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است، کمی کردن و شاخص‌گذاری عملیاتی و قابل اندازه‌گیری برای سنجش و ارزیابی و ارزشیابی نتایج راهبردهای تعریف شده و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی است که این مقوله در برخی از حوزه‌ها از قابلیت دستیابی آسان‌تر و سریع‌تر برخوردارند و در حوزه‌هایی هم بسیار سخت و پیچیده‌اند. البته تلاش‌هایی در زمینه‌ی نظرسنجی و نگرش‌سنجی به ویژه در حوزه‌های فرهنگی و دینی و اخلاقی و سیاسی - اجتماعی صورت گرفته است و تاکنون نتایج آن‌ها نیز عرضه شده است، ولی آن گونه که مورد نظر متولیان امور و نهادهای سیاست‌گذار است طبیعتاً نیازمند تعریف پروژه‌های علمی و اقدامات گسترده‌ی کارشناسی است.

## لوازم نهضت تولید علم در آینده‌ی سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاهها

در راهبرد یکم از مؤلفه‌ی استاد آمده است:

«فراهم آوردن زمینه‌های مساعد قانونی و اجرایی برای جذب و گزینش استادان شایسته از نظر علم، ایمان، تقوا، تعهد و آگاهی و پای‌بندی به مبانی و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران»

آن چه در این راهبرد مورد اشاره قرار گرفته است از جمله شروط لازم و ضروری برای آغاز حرکت و بسترسازی مناسب در فرآیند تولید اندیشه و علم است. در این رابطه دو سیاست اجرایی نیز تصویب گردیده که از این قرارند:

۱. ارزیابی ضوابط و عملکرد جذب و گزینش استاد.
  ۲. تلاش برای جذب استادان برجسته از نظر علم، تقوا و تعهد.
- برای آن که دانش و دانشگاه و دانشورزی و دانشجویی و تولید اندیشه و علم به ارزشی عمومی با جایگاهی والا در جامعه و در میان نخبگان علمی تبدیل شود، در راهبرد سوم مؤلفه‌ی استاد آمده است:
۳. فراهم کردن زمینه‌های مناسب مادی و معنوی برای شناسایی و تبیین و تکریم مقام استادان در دانشگاه و جامعه از دیدگاه اسلام به منظور تشویق و ترغیب آنان و افزایش نشاط و تحرک علمی و اجتماعی.
- برای اجرایی شدن این راهبرد مهم چند سیاست اجرایی نیز تکمیلأ تصویب شده است که عبارتند از:

۱. افزایش اعتبار و منزلت امر تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها.
۲. وضع مقررات و ایجاد تسهیلات اداری و اجتماعی متناسب با منزلت استادان.
۳. تجدید نظر در نظام پرداخت حقوقی و رفاهی استادان به منظور ایجاد

تسهیلات لازم برای فعالیت علمی و پژوهشی آن.

۴. تجلیل و تکریم مقام رفیع استادان و مفاخر علمی به منظور افزایش نشاط و تحرک علمی و اجتماعی.

۵. سوق دادن و تشویق اساتید به جلب مشارکت دانشجویان در محیط‌های آموزشی و پژوهشی.

همچنین در راهبرد هفتم مؤلفه‌ی دانشجوی بر «حل مشکلات اجتماعی و معیشتی دانشجویان به منظور فراهم آوردن بستر لازم برای فعالیت‌های علمی، فرهنگی و دینی» تأکید گردیده و سیاست‌های اجرایی هفتگانه‌ی زیر برای تحقق این راهبرد اعلام شده است:

۱. تقویت فرهنگ مشاوره و توسعه‌ی نهادهای مشاوره‌ای.

۲. حمایت و تشویق و ایجاد تسهیلات برای ازدواج دانشجویان.

۳. تلاش برای توسعه‌ی منابع مالی دانشگاه‌ها و تنوع بخشی آن‌ها.

۴. تأکید بر اصل کفاف و تأمین متناسب با شئون نیازهای دانشجویی با تأکید بر ساده‌زیستی.

۵. حمایت مادی و اجتماعی از دانشجویان نیازمند با حفظ عزت و حرمت آنان.

۶. فراهم آوردن امکانات و زمینه‌های لازم برای دستیابی به منزلت شایسته‌ی اجتماعی دانشجویان در ابعاد مادی و معنوی.

۷. زمینه‌سازی برای مشارکت بیشتر دانشجویان در امور رفاهی، صنفی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی.

در یک نسبت سنجی منصفانه و دقیق میان بایدها و هست‌ها، ملاحظه می‌شود که تلاش‌هایی در این سمت و سو صورت گرفته است، ولی فاصله‌ی زیادی با وضع مطلوب داریم. مشکلات معیشتی و اولیه‌ی اعضای هیأت علمی

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و کمی شدن بیش از اندازه‌ی فعالیت‌های دانشگاهی، به ویژه در حوزه‌ی آموزشی و افت کیفی آن‌ها، جانفختادن پژوهش به مفهوم دقیق کلمه در کشور و دستگاه‌های اجرایی و حتی در خود دانشگاه‌ها، عدم استفاده‌ی مناسب از نظرات کارشناسی صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در بخش‌های مختلف، نامناسب بودن برخی مقررات و ضوابط اداری و بوروکراسی پیچیده در حوزه‌های علمی و پژوهشی و... از جمله مسائلی است که حل آنها باید در اولویت کاری متولیان امور در حوزه‌های اجرایی قرار گیرد.

به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی فراگیری دانش و دانشجویی و دانش پژوهی، با تأکید بر جایگاه والای آن در اندیشه‌ی اسلامی، در راهبرد پنجم مؤلفه‌ی دانشجو آمده است:

«تشویق و زمینه‌سازی به منظور مادام‌العمر تلقی کردن تحصیل علم به عنوان یک ارزش و فریضه‌ی اسلامی» و برای تحقق این راهبرد مهم؛ یازده سیاست اجرایی مورد تصویب قرار گرفته که از اهمیت زیادی برخوردارند:

۱. حمایت مادی، معنوی و قانونی از فعالیت‌های تشکلی‌های علمی دانشجویی و دانش‌آموختگان.

۲. تأکید بر دیدگاه اسلامی در مورد توأم بودن علم و دین و تلاش برای تبیین آن.

۳. در نظر گرفتن تسهیلات مادی و معنوی، ویژه‌ی استعدادهای برجسته، خلاق و درخشان دانشجویی.

۴. تأمین فضای معنوی مناسب برای تشویق به مادام‌العمر تلقی کردن علم آموزی.

۵. تلاش و برنامه‌ریزی برای تحکیم و تقویت فضای معنوی و اخلاقی

پرورش استعداد‌های درخشان در کنار سایر اقدامات مربوط به ایجاد تسهیلات ویژه.

۶. الگوسازی مناسب و کارآمد از طریق معرفی شخصیت‌های برجسته و موفق اسلام و ایران در حوزه‌های مربوط به موضوع.

۷. بسترسازی‌های لازم قانونی و انجام حمایت‌های ویژه از نهادهای واسط بین دانشگاه و جامعه، از قبیل انجمن‌های علمی و انجمن دانش‌آموختگان.

۸. استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی برای توسعه‌ی آموزش‌های نیمه‌حضور و غیرحضور.

۹. گسترش و توسعه‌ی نهادهای آموزشی، پژوهشی و علمی، آموزش‌های عالی آزاد و دوره‌های تخصصی کوتاه‌مدت.

۱۰. بررسی و پژوهش به منظور بهره‌گیری از نظام‌های آموزش سنتی و بومی در ایران و اسلام.

۱۱. تلاش و برنامه‌ریزی برای گسترش ارتباط دانشگاهیان با محققان و صاحب‌نظران خارج از دانشگاه.

از آنجا که آموزش و پژوهش، دانشجویی و پژوهشگری، به صورت مطلوب نیازمند محیط فرهنگی و اجتماعی سالم و با نشاط و سازنده است، لذا در سیاست‌های راهبردی توجهی خاص به این مسأله شده است. راهبرد ششم مؤلفه‌های استاد و دانشجو بر «قانونمند کردن فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی استادان، دانشجویان، به منظور فراهم آوردن محیطی سالم، آزاد و مطمئن برای بحث و گفتگو، تحرک و فعالیت و ارتقای اندیشه‌ی دینی» تأکید می‌کنند. سیاست‌های اجرایی این راهبرد نیز عبارتند از:

۱. ایجاد نظم و انضباط در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در چارچوب قوانین و مقررات.

۲. ایجاد زمینه‌ی لازم برای تشویق و ترغیب استادان به تحرک و فعالیت در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی.

۳. گسترش و تعمیق فرهنگ نقد و گفتگو با تأکید بر روش‌های اثباتی و اقناعی.

۴. ترویج و تقویت روحیه‌ی قانونگرایی در میان دانشجویان و تشکل‌ها و نهاد‌های دانشجویی.

۵. به رسمیت شناختن تشکل‌های مختلف با سلايق و گرایش‌های متنوع و متکثر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه در چارچوب قوانین و مقررات.

۶. تعمیم حمایت‌های قانونی از دانشجویان به عرصه‌های بیرون از دانشگاه.

۷. حمایت فعال مدیریت‌های دانشگاه از انجام فعالیت‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توسط دانشجویان در چارچوب قوانین و ضوابط و رعایت تعادل میان آنان و پرهیز از تبعیض و جهت‌گیری‌های غیرقانونی.

۸. تأمین فضای امن، مطمئن و سالم برای طرح بحث‌های فرهنگی، اجتماعی و دین‌شناسی.

۹. هدایت فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی به سمت ایجاد وحدت، همدلی و اخوت ایمانی.

۱۰. زمینه‌سازی مناسب برای ارتباط متقابل و گفتگوی همدلانه‌ی دانشجویان دانشگاه‌ها با طلاب علوم دینی.

با عنایت به نقش کلیدی استاد در تکوین و ارتقای شخصیت علمی و اجتماعی دانشجو - که پیش درآمد فرآیند مولّد کردن دانشگاه و فراهم کردن زمینه‌های تحقق کارکرد اصلی، یعنی تولید دانش و اندیشه است -، راهبرد چهارم مؤلفه‌ی استاد «برنامه‌ریزی به منظور توأم ساختن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اعضای هیأت علمی با نقش تربیتی و اخلاقی آنان در مراکز آموزشی و

سطح جامعه» را مطرح می‌سازد و راهبرد سوم از مؤلفه دانشجوی بر «تقویت روحیه‌ی آرمان‌گرایی، کمال‌جویی، نقادی، آزادگی، ایثارگری، مشارکت‌جویی، حقیقت‌جویی و تشویق و تقویت احساس مسؤلیت اجتماعی دانشجویان» تأکید می‌کند.

و راهبرد پنجم از مؤلفه‌ی مدیریت نیز اشعار می‌دارد که: «توجه به نقش الگویی استادان در رفتارسازی دانشجویان و الگوسازی بر اساس آن، از طریق شناسایی و معرفی و تشویق مدیران، استادان، دانشجویان و کارمندان شایسته بر اساس شاخصه‌های مدیریت در نظام اسلامی».

در رابطه با این سه راهبرد نیز سیاست‌های اجرایی زیر تدوین گردید:

۱. ترغیب و تشویق استادان به مشارکت در فعالیت‌های تربیتی، فرهنگی و اجتماعی.
۲. فعال کردن طرح «استاد مشاور» به منظور تسری نقش استادان از حوزه‌های آموزشی به حوزه‌های تربیتی و فرهنگی.
۳. ایجاد تسهیلات مناسب آموزشی و اداری برای پشتیبانی از فعالیت‌های تربیتی استادان.
۴. تبیین اهمیت نقش تربیتی استادان در ارتقای شخصیت علمی و اجتماعی دانشجویان.
۵. طراحی و اجرای برنامه‌های هدفمند فرهنگی، اجتماعی و فوق برنامه در قالب فعالیت‌های مشارکتی.
۶. معرفی چهره‌های پرتلاش و موفق در حوزه‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی متناسب با شرایط روز و محیط‌های دانشگاهی.
۷. انجام مطالعات و تحقیقات مستمر برای ارتقای ارزش‌ها و بازآفرینی سنت‌های ملی و مذهبی و انقلابی وفق نیاز و متناسب با اقتضائات نوین.

۸. حمایت مادی و معنوی و قانونی از دانشجویان فعال و موفق در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اسلامی.
  ۹. تشویق و تأیید دانشجویان نمونه در فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی.
  ۱۰. تعیین و تصویب ضوابط متناسب با مراکز دانشگاهی برای استادان، دانشجویان و مدیران الگو.
  ۱۱. تأکید بر سیاست‌های اقناع و ارشاد در رفتارسازی دانشجویان و تقدّم آن‌ها بر روش‌های منع و رفع.
  ۱۲. ضابطه‌مند کردن نظام تشویق بر اساس تبانی و شاخصه‌های مدیریت در نظام اسلامی.
  ۱۳. ایجاد تعادل بین ابعاد علمی، فرهنگی و اجتماعی نظام تشویقی در دانشگاه‌ها.
- در پایان، شایان ذکر است که این مرور اجمالی بر راهبردها و سیاستهای اسلامی شدن دانشگاه، نشان می‌دهد که تلاش‌های مناسبی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و تدوین اصول و مقررات لازم برای یک حرکت علمی بنیادین و فراگیر در جامعه‌ی اسلامی صورت گرفته است و باید در مقام اجرا با بررسی بازخوردها اشکالات و نواقص در این حوزه، شناسایی و مرتفع شود.